

معرفی کتاب

"دوباره هرگز؛ سه مقاله درباره جنبش دادخواهی و نقش مادران و زنان"

جعفر بهکیش

ناشر: میخک سرخ



این کتاب شامل مقدمه، ترجمه سه مقاله از انگلیسی، دو ضمیمه، فهرست منابع، نمایه و چکیده مقالات به انگلیسی است و توسط "میخک سرخ" در ۱۴۰ صفحه در ۲۶ بهمن ۱۴۰۰ (۱۵ فوریه ۲۰۲۲) منتشر خواهد شد.

نویسنده و مترجم مقاله اول و دوم جعفر بهکیش است. مقاله اول در کتاب "صداهای یک کشتار ... [Voices of a Massacre ...] که توسط ناصر مهاجر ویراستاری و در ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) توسط بنگاه انتشاراتی [OneWorld Publication] منتشر شده، آمده است.

پیکره اصلی مقاله دوم در ۱۳۹۴ توسط [The May 18 Memorial Foundation] "بنیاد یادبود ۱۸ می" در کره جنوبی در کتابی با عنوان "برندگان جایزه حقوق بشر گوانگجو، آن‌ها واقعا که هستند؟" [Laureates of Gwangju Prize for HR Award, Who Really They Are?] در معرفی مادران خاوران منتشر شده است.

مقاله سوم با عنوان "مادرانی که ناپدید نمی‌شوند" [Mothers Who Won't Disappear] توسط آن‌ده آ مالین [Andrea Malin] نوشته و در فصلنامه حقوق بشر [Human Rights Quarterly] در ۱۳۷۲ منتشر و توسط لیلی پناهی و جعفر بهکیش ترجمه شده است.

ضمیمه اول ترجمه فصل دوم مقاله منتشر شده در کتاب "بنیاد یادبود ۱۸ می" در معرفی مادران خاوران است که در ۱۳۹۴ در کره جنوبی منتشر شده است. این فصل پاسخ تعدادی از مادران و خانواده‌های خاوران در ایران به پرسش‌های این بنیاد است که توسط منصوره بهکیش گردآوری و به دلیل اهمیت آن در این کتاب گنجانده شده است.

ضمیمه دوم مروری بسیار اجمالی به مهم‌ترین حوادث دهه اول حاکمیت جمهوری اسلامی است که تحکیم نظام سرکوب را تسهیل کرده است.

برای خرید کتاب در خارج از ایران با میخک سرخ (mikhak.red1@gmail.com) تماس بگیرید. قیمت کتاب در کانادا ۲۵ دلار است.

برای تهیه کتاب در ایران مبلغ ۳۰ هزار تومان، قیمت نسخه پی-دی-اف در ایران، یا هر مبلغی که در توان دارید را به یک خیریه، ترجیحاً در زمینه آموزش کودکان یا نگهداری از بزرگسالان اهدا و با ارسال ایمیل به میخک سرخ (mikhak.red1@gmail.com) ما را از این موضوع مطلع کنید تا نسخه پی-دی-اف کتاب برای استفاده شخصی شما ارسال شود.

چکیده مقالات:

دوباره هرگز: دادخواهی، شکل دادن و حفظ حافظه جمعی از بی‌رحمی‌های جمهوری اسلامی

NEVER AGAIN: Seeking Justice and Shaping/Preserving Collective Memories of Atrocities by the IRI

By Jafar Behkish

مترجم: جعفر بهکیش

نویسنده: جعفر بهکیش

چگونه و چرا در یک حکومت تمامیت‌خواه که برای چندین دهه در قدرت بوده و همه گروه‌های مخالف و منتقد و جامعه مدنی مستقل را به سختی سرکوب کرده است، جنبش دادخواهی نه تنها توسط نیروهایی که رابطه نزدیک خود را با حکومت حفظ کرده‌اند بلکه توسط آن دسته از فعالانی که توسط حکومت برای مدت کوتاهی تحمل شدند، مانند بخشی از فعالان جنبش زنان و حقوق بشر به انزوا کشیده می‌شود. همچنین این مسئله مورد بررسی قرار گرفته است که چرا با توجه به ابعاد جنایت‌های دولتی در چهار دهه گذشته، جنبش دادخواهی در داخل کشور ضعیف باقی مانده است؟ هر چند بخشی از بستگان قربانیان، فعالان

سیاسی و مدنی سیاست لاپوشانی، فراموشی و انکار را به چالش کشیده و با توجه به شرایط بسیار نامناسب موفقیت‌های خارق‌العاده‌ای در توسعه حقوق بشر و دموکراسی کسب کردند. این مقاله با استفاده از چهارچوب نظری عدالت انتقالی بر این نکته تأکید می‌کند که جنبش دادخواهی در شرایط بسیار دشوار سیاسی عمل می‌کند و این خطایی جدی است که این جنبش را غیر سیاسی در نظر بگیریم. از همین رو در این مقاله به سیاست اجساد، سیاست حقوق بشر و سیاست چگونگی رویارویی با جنایت‌های گذشته پرداخته شده است. این مقاله با بررسی تجربه دادخواهی قتل‌های زنجیره‌ای بر این نکته تأکید کرده است که هر گاه سرکوب‌خشن آزادی بیان اندکی کاهش یافته جنبش دادخواهی با استفاده از موقعیت پیش آمده توانسته است آگاهی مردم از اهمیت رویارویی با جنایت‌های دولتی را به شکلی چشمگیر افزایش دهد. همچنین مقاله نشان داده است وقتی که عدالت به شکلی مناسب برقرار شود، چنانچه در مورد محاکمه متهمان ترور رستوران میکونوس در آلمان وجود داشت، چرخه معیوب خشونت و انتقام شکسته خواهد شد.

خانواده‌های قربانیان: در جستجوی حقیقت و عدالت

Victims' Families: Seraching for Truth and Justice

By Jafar Behkish

مترجم: جعفر بهکیش

نویسنده: جعفر بهکیش

تجربه جهانی نشان داده است که شکل‌گیری جنبش دادخواهی تحت حکومتی تمامیت‌خواه دشوار، پرمخاطره و کند است. بدنه اصلی این مقاله شرح پیمودن این مسیر دشوار توسط مادران و خانواده‌های خاوران است که از اوایل دهه شصت آغاز و تا کنون با افت‌وخیزهای فراوان ادامه داشته است. در این روایت به وضوح نقش برجسته مادران، همسران و دیگر زنان خانواده‌های زندانیان سیاسی و اعدام‌شدگان آشکار است. این واقعیت اتفاقی نبوده است. تصور مسئولان از ناتوانی مادران و زنان برای ایجاد یک جنبش اجتماعی و محدود دانستن نقش آنان به خانه و آشپزخانه، فضایی اندک برای سامان دادن یک جنبش برای حقیقت و عدالت ایجاد کرده بود. زمان لازم بود تا حکومت زن‌ستیز دریابد بر خلاف باورهای آنان مادران و زنان به نیرویی جدی برای به چالش کشیدن سیاست انکار، پرده‌پوشی و فراموشی دولت بدل شده‌اند. مقامات متوجه شدند که این زنان که در از دست دادن عزیزان خود مانند همه زنان دیگر مویه می‌کنند، در عین حال جنبشی بی‌مانند و عمیقا مادرانه را سامان داده‌اند: مویه جمعی، جستجوی جمعی برای حقیقت و عدالت و مادری جمعی. گذشت زمان سبب شد که به تدریج حقانیت جنبش مادران، زنان و بستگان قربانیان برای دادخواهی به بسیاری از نیروها که دل به همکاری با جناحی از حکومت بسته بودند یا تنها تلاش برای سرنگونی حکومت را محترم می‌داشتند، تحمیل شود. مقاله چنین نتیجه‌گیری می‌کند که با فاصله گرفتن از دهه شصت، کاهش تدریجی جایگاه سیاسی کسانی که در آن دهه نقشی مهم در جنایت‌های دولتی ایفا کردند، تداوم جنایت‌های هولناک

دولتی، ظهور نیروهای سیاسی جدید و فوت شناخته‌شده‌ترین چهره‌های مادران و خانواده‌های خاوران، در صورتی که فرزندان قربانیان نتوانند جای خالی آنان را پر کنند، می‌تواند سبب خاموشی این جنبش شود.

مادرانی که ناپدید نمی‌شوند

Mothers who won't disappear

By Andrea Malin

نویسنده: آندره آ مالین مترجم: لیلی پناهی شبستری و جعفر بهکیش

بعد از کودتای ۱۹۷۶ در آرژانتین که آغاز سرکوب خشن همه گروه‌های مخالف، دانشجویان و فعالان سیاسی جوان بود، از میان مگاک تاریک ابهام در مورد سرنوشت فرزندانشان سبک جدیدی از جنبش حقوق بشر که بسیار شخصی، غیرقابل مذاکره و بی‌پایان بود شکل گرفت. مادران ناپدیدشدگان پیوسته از مسئولان در مورد سرنوشت و محل نگهداری فرزندان خود سؤال می‌کردند، داستان غم‌انگیز خود را با فعالان حقوق بشر که می‌خواستند کمک کنند، محققانی که تلاش می‌کردند این موقعیت را درک کنند و روزنامه‌نگارانی که در جستجوی حقیقت بودند در میان می‌گذاشتند. بازگو کردن این روایت‌ها هرگز آسان نبود. مادران میدان مایو با استفاده از ایده سنتی مادر بودن، مادر جمعی متعهد به حقوق بشر را آفریدند. آنان از امتیاز مادر بودن برای خود اسلحه و سپری ساختند. شگفت آن که در حالی که حکومت مخالفان خود را نابود می‌کرد، در عین حال مخالفانی اعجاب‌آور را در جنبش رو به اوج حقوق بشر می‌آفرید. آنان یک جنبش سیاسی معمولی نبودند ... چون فرزندان ناپدید شده بودند. پس از شانزده سال بعضی از آنان هنوز منتظرند تا خبری از فرزندان خود بشنوند. دیگران با این انگیزه به حرکت درآمده بودند که اطمینان حاصل کنند که فرزندانشان برای هیچ نمرده‌اند. همه آن‌ها متعهد بودند که اجازه ندهند که فرزندانشان در فراموشی "شب و مهی" که حکومت برای آنان تدارک دیده بود گم شوند. مجموعاً، داستان آنان برای ملتی که می‌خواست فراموش کند، غیرقابل انکار بود. راهپیمایی هفتگی آنان در میدان مایو در مقابل کاخ ریاست جمهوری در حالی که عکس‌های فرزندان خود را به سینه‌هایشان می‌فشرده و نام آنان را بر لباس‌های خود دوخته بودند، این نکته را یادآوری می‌کرد که مادران ناپدید نخواهند شد، همانطور بچه‌هایشان.